

## تصمیمات دادگاهها

### رویه دیوان کشور بر شکستن

در مورد کیفر حد اکثر که با رعایت تخفیف بیشتر از ربع تخفیف داده شده

مواد ۱۶۲ و ۱۶۵ و ۴۵ مکرر قانون کیفر

پس از رسیدگی در دادنامه شماره ۱۴۳۱ بتاريخ ۱۸/۶/۱۸ چنین رای داده است:

« برطبق ماده ۱۶۵ قانون مجازات عمومی مجازات کسانی که مرتکب ایراد ضرب بمامورین دولتی که منجر بجراحت کردند حداکثر مجازات توهین بمامورین مزبور است که برطبق ماده ۱۶۲ از قانون مزبور عبارت از یکسال حبس تادیبی است و برای این مجازات حد اقلی نیست و چنانکه بماده ۴۵ مکرر استناد شده و دادگاه متهم را قابل رعایت تخفیف بداند برطبق ماده مزبوره می تواند یک ربع از مجازات را تخفیف بدهد و در این مورد که دادگاه مجازات متهم را با استناد بماده مزبور تا یکماه تنزیل داده برخلاف قانون بوده و برطبق ماده ۴۶ و ۴۶۵ قانون اصول محاکمات جزائی حکم فرجام خواسته بانفاق آراء برای حفظ قانون نقض بلا ارجاع میشود »

کسی با اتهام ضرب و توهین بمامور دولت مورد تعقیب دادرسی شهرستان واقع و در دادگاه جنحه برطبق ماده ۱۶۵ قانون کیفر با رعایت تخفیف موافق ماده ۴۵ آن قانون بیکماه حبس تادیبی محکوم میشود و در اثر اعتراض متهم و درخواست تشدید از ناحیه دادستان مجدداً رسیدگی و دادنامه استوار میشود - دادستان شهرستان پژوهش خواسته و دادگاه استان (با استناد اینکه در این مورد بایستی حداکثر کیفر تعیین شود و استناد دادگاه جنحه بماده ۴۵ اصلی بيمورد بوده) دادنامه را کسینخته و با استفاده از ماده ۴۵ مکرر قانون کیفر او را بیکماه حبس تادیبی محکوم میکند - جناب دادستان کل (از لحاظ اینکه دادگاه با استناد بماده ۴۵ مکرر بایستی بیش از یک ربع در این مورد تخفیف داده باشد) برای حفظ قانون رسیدگی فرجامی خواسته اند، و شعبه (۵) دیوان کشور

### تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه متهم بفرش ملک غیر را مطابق ماده ۱۱۷ قانون ثبت محکوم کرده

ماده ۸ قانون انتقال مال غیر و ماده ۱۱۷ قانون ثبت

دادنامه شماره ۱۴۵۹ بتاريخ ۲۴/۶/۱۸ چنین چنین رای داده است:

(اعتراض متهم و اعتراض دادستان که عمل ثابت شده در نظر دادگاه منطبق بماده ۱۱۷ قانون ثبت نمی باشد بنظر وارد میاید چه آنکه ماده مزبور شامل مواردی است که متهم عملی را قبلاً بموجب سند رسمی معامله کرده و بعد همان

کسی بیزه اینکه زمینهای کسی را با سند رسمی بدیگری فروخته تحت تعقیب دادرسی شهرستان واقع شده و دادگاه جنائی (بملاحظه اینکه متهم با علم تملق اراضی بغیر آهارا بدیگری فروخته) طبق ماده ۱۱۷ قانون ثبت او را به حبس مجرد محکوم کرده - دادستان استان و متهم فرجام خواسته اند - شعبه (۵) دیوان کشور پس از رسیدگی در

را بموجب سند رسمی دیگری بدیگری انتقال بدهد و عمل ثابت شده در نظر دادگاه این است که متهم با اینکه ملک مال غیر بوده آنرا بموجب سند رسمی معامله با دیگری کرده است و این عمل مشمول آن ماده نبوده و مشمول ماده ۸ قانون مجازات انتقال

مال غیر است و چون این تخلف دادگاه ثانیری در تعیین مجازات دارد حکم فرجام خواسته از حیث تطبیق با قانون مخدرش بوده و بانفاق آرا بر طبق ماده ۳۰ و ۴۰ قانون اصول محاکمات جزائی نقض میشود. ( )

### رای دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه فوت مضروب در اثر مستقیم ضرب شناخته نشده باشد

ماده ۱۷۱ و ۱۷۳ قانون کیفر

چند نفر با تهم فروردین چوب به پائین تنه کسی که در اثر آن مرده است تحت تعقیب واقع و دادگاه جنائی عمل متهمان را با احراز ارتکاب از نظر آنکه محرز نیست که عمل آنها منتهی بقوت شده بانه و یا آنکه معالجه جرح بیش از بیست روز بوده بانه مورد را منطبق با قسمت اخیر ماده ۱۷۳ دانسته و هر یک را بسه ماه زندانی تادیبی محکوم کرده - دادستان فرجام خواسته - دیوان کشور شعبه (۵) در دادنامه شماره ۱۲۲۷ بتاریخ ۲۵ ر ۳۱۸ چنین رای داده است :

( علاوه بر اینکه استدلال دادگاه در اینکه فوت مجنی علیه در اثر عمل متهمین واقع نشده بطوریکه از طرف دادیار

دیوان کشور در مقام بیان عقیده و تقاضای فرجام ماهوی ذکر شده برخلاف دلایل مندرجه در پرونده است اساساً از حکم استنباط میشود که دادگاه فوت مجنی علیه را در نتیجه عمل متهمین بنحو غیر مستقیم دانسته و بنظر اینکه نافوت مستقیماً در نتیجه عمل واقع نشود مشمول ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی نخواهد بود متهمین را در این قسمت تبرئه کرده است و این استنباط دادگاه برخلاف ماده ۱۷۱ مزبور است بنابراین مذکور حکم فرجام خواسته بر طبق مواد ۳۰ و ۴۰ مکرر قانون اصول محاکمات جزائی بانفاق آراء نقض میشود ( )

### تصمیم دیوان کشور بر شکستن

راجع باینکه دادگاه در مورد بیکه دولت در جریان دعوی بالمحافظ جانشینی از خواننده وارد شده بوده قرار عدم صلاحیت داده

ماده ۴ قانون دعاوی میان دولت و اشخاص

کسی بطرفیت تولیت موقوفه دادخواست اعتراض به ثبت تقدیم دادگاه شهرستان میکند پس از مدتی وزارت دارائی اظهار داشته که رقبه در نتیجه تعویض متعلق بدولت شده و چون معترض چند سال است اعتراض خود را مسکوت گذاشته درخواست اسقاط اعتراض را مینماید دادگاه (بالمحافظ اینکه معترض ثبتی طرفیت با وزارت دارائی را بعلمت اینکه منتقل الیه تولیت میباشد در دفاع از سقوط دعوی قبول کرده) بانستاد ماده ۴ قانون دعاوی میان دولت و اشخاص مصوب

۱۳۰۹ قرار عدم صلاحیت بمنوان صلاحیت دادرسی دارائی صادر کرده - دادستان دارائی از قرار مزبور بتروئین خواسته و دادگاه استان نیز آنرا استوار میکند - دادسرای وزارت دارائی درخواست فرجام کرده و شعبه (۳) دیوان کشور پس از رسیدگی در دادنامه شماره ۱۴۵۴ بتاریخ ۱۰ ر ۱۸ چنین رای داده است :

( با مسلمیت اینکه صلاحیت محاکم اختصاصی در رسیدگی بدعاوی برخلاف اصل )

|  |   |
|--|---|
| <p>دادن مورد با ماده ۴ قانون دعاوی دولت بر افراد استنادی دادگاه موجه نمیباشد و اعتراض دادیار دادرسی داری از این حیث بقرار فرجام خواسته وارد بوده و قرار مزبور با اتفاق آراء نقض میشود...</p> | <p>استثناء شده نوعاً محاکم دارگستری برای رسیدگی بدعاوی صالح میباشد - چون طرح دعوی مستقیماً بطرفیت دولت نشده و بلکه دولت پس از طرح دعوی بلاحفاظ قائم مقام بودن تولیت خود را بطرفیت معرفی نموده بنا بر این مشمول قرار</p> |
|--|---|

### تصمیم دیوان کشور بر استوار کردن

در موردیکه دادگاه بدوخواست شنیدن گواهان ترتیب اثر نداده

ماده ۱۳۰۶ قانون مدنی

|  |   |
|--|---|
| <p>با باز جوئی محلی صحت و سقم دعوی محرز خواهد شد و این معنی با ملاحظه مواد مربوطه بقانون شهادت از قانون مدنی بنظر این دادگاه نافع بحال خواهان نبوده چه اگر مقصود اثبات قرار داد لفظی و تمهید باینکه خواهان مخارج مزبوره را تادیه و بعد از او بگیرد بحکم ماده ۱۳۶۰ قانون مدنی تمهید بشهادت قابل اثبات نبوده و اگر مقصود پژوهش خواه اثبات وصولی و جوهی بکار گران و نجار و غیره از باب تعمیر خانه خواننده با فرض اینکه مطلعینی در این خصوص معرفی کنند این معنی مادام که ضم به تمهید خواننده نشود (که آنها چنانکه ذکر شد بشهادت نمیتوان اثبات کرد) کافی برای احراز اشتغال ذمه نیست و اماره و دلیل دیگری هم بدادگاه داده نشده که بشهادت تکمیل شود بنا بر این باز جوئی غیر مؤثر و تقاضای پژوهش خواه در این زمینه بنا با سند لایکه بعمل آمده لازم الاجابه نیست و بالنتیجه حکم دادگاه شهرستان بنظر این دادگاه تایید میشود) - محکوم علیه بدوخواست رسیدگی فرجامی کرده و شعبه (۳) دیوان کشور در دادنامه شماره ۱۴۵۰ بتاريخ ۲۴ ر ۱۸ ر ۶۲۴ پس از رسیدگی اعتراضی بر دادنامه پژوهشی وارد ندیده و آنرا استوار کرده است...</p> | <p>کسی در دادگاه شهرستان نظلم نموده که خواننده (مدعی علیه) او را متصدی ساختمان عمارت خود و خرید مصالح و پرداخت دستمزد کارگران کرده و در نتیجه مبلغی بمصرف رسانیده که از پرداخت آن خودداری مینماید دادگاه پس از صدور قرار تحقیق محلی بلاحفظ عدم کفایت دلیل او را محکوم به بدقی میکند - در دادگاه استان نیز دادنامه استوار میشود ولی دیوان کشور از جهت مخدوش بودن استدلال و نقض رسیدگی دادنامه را شکسته و رسیدگی بدادگاه استان دیگر رجوع میشود - دادگاه اخیر پس از رسیدگی چنین رای میدهد</p> <p>(خلاصه دعوی خواهان که در دادخواست بدوی و لوائحه که در این مرحله داده استفاده میشود اینست که بر اثر قرار داد لفظی که بین مشارالیه و خواننده بوده مشارالیه اقدام در بنائی خانه او و سرکاری او کرده و مبلغی از مال خود بابت وجه مصالح ساختمان و اجرت عمده پرداخته و بعد از وضع مقداری که خواننده داده و از او رسید گرفته بقیه که معادل خواسته است نزد مشارالیه باقی و شهودی دارد طبق ورقه استعلامیه و علاوه در محل که مطاع از قرارداد مزبور بوده باضافه کسانیکه کار کرده و اجرت گرفته اند که</p> |
|--|---|

### تصمیم دیوان کشور بر استوار کردن

در مورد تیرئه کسی از تبانی برای فرار دادن اموال خود از تامین

ماده ۲ قانون کیفر کسانیکه بر ای بردن مال غیر تبانی میکنند

دو نفر با تهم اینک با هم تبانی کرده و اولی اموال خود را که در مقابل ادعای کسی تامین شده بوده بدومی فروخته

و مشاورانیه بعنوان ثالث دادخواست بدادگاه صادر کننده قرار داده مورد تعقیب دادرسی واقع و برطبق ماده ۲ قانون کسانیکه برای بردن مال غیر تبانی میکنند قاضیه در دادگاه جنحه طرح و بعنوان فقد دلیل تبرئه میشود - در اثر پژوهش خواهی دادستان شهرستان قاضیه در دادگاه استان مورد رسیدگی واقع شده و باستدلال اینکه (با صرف نظر از کفایت و عدم کفایت دلایل اساساً عمل انتسابی بزه نیست) دادنامه را استوار میکند دادیار استان درخواست رسیدگی فرجامی کرده و شعبه (۵) دیوان کشور در دادنامه شماره ۱۴۱۷ بتاريخ ۲۹/۶/۱۸ پس از رسیدگی چنین رأی داده است:

(مفاد اعتراض دادیار استان اینست که عمل متهم تبانی برای فرار دادن اموال خود از تامین) مشمول ماده

اول و خصوصاً ماده ۲ قانون مصوب تیرماه ۱۳۰۷ بوده و صدور حکم بعنوان اینکه عمل جرم نیست برخلاف قانون است و این اعتراض وارد نیست چه آنکه ماده اول قانون نامبرده تصریح دارد در اینکه تبانی برای بردن مال غیر بعمل آمده باشد و ماده دوم راجع باشخصی است که با تبانی بعنوان شخص ثالث در دعوائی وارد شده و یا با آن عنوان برحکمی اعتراض بکند و یا بر محکوم له حکمی مستقیماً اقامه دعوی نماید و اینمورد که متهم اقدام بفروش دکان خود نموده است مصداق صریح هیچیک از آنها نیست و چون از جهات دیگری نیز اشکالیکه مؤثر در شکستن باشد بنظر نرسید حکم فرجام خواسته باتفاق آراء استوار میشود.

### رویه دیوان کشور بر شکستن

راجع باینکه دادگاه در مورد معاون بزه با رعایت تخفیف کیفر را بمیزان قانونی بائین نیاورده

مواد ۴۵ مکرر و ۲۸ و ۲۰۷ اصلاحی قانون کیفر

کسی بیزه اینکه با چند نفر دخالت در زدن کسی نموده و بیزه معاونت در هتک ناموس دختری مورد تعقیب دادرسی واقع شده و دادگاه جنائی پس از رسیدگی او را برای بزه اول طبق ماده ۱۷۵ مکرر قانون کیفر بدو ماه حبس تادیبی و نسبت بیزه دوم با استناد ماده ۲۰۷ اصلاحی و ۲۸ قانون کیفر و رعایت ماده ۲ الحاقی و ۴۵ مکرر بسه سال حبس با اعمال شاقه محکوم میکند - متهم فرجام خواسته - شعبه ۵ دیوان کشور در دادنامه شماره ۱۵۰۰ بتاريخ ۲۹/۶/۱۸ پس از رسیدگی چنین رأی داده است:

دادگاه فرجام خواه را در قسمت معاونت با بزهکار اصلی با رعایت تخفیف بسه سال حبس با اعمال شاقه محکوم

نموده و این حکم از حیث تعیین کیفر معلول بنظر میرسد چه آنکه دادگاه بدون رعایت تخفیف نیز نمیتوانسته بیش از سه سال حد اقل مجازات مجرم اصلی در حق او تعیین نماید و برطبق ماده ۴۵ مکرر قانون مجازات عمومی که مورد استناد دادگاه واقع شده در اینگونه موارد که مجازات حد اقل و اکثر ندارد کیفر را میتوان تا یک ربع تخفیف داد و دادگاه با آنکه متهم را قابل رعایت تخفیف دانسته و استناد بماده ۴۵ مکرر هیچگونه تخفیفی رعایت نموده است بناء علیه حکم فرجام خواسته در قسمت تعیین مجازات راجع بمعاونت متهم مزبور با بزهکار اصلی باتفاق آراء شکسته شد . . . .